



۱۱

انیو موریکونه، آهنگساز برجسته سینما در ۹۱ سالگی از دنیا رفت

روزی روزگاری موریکونه

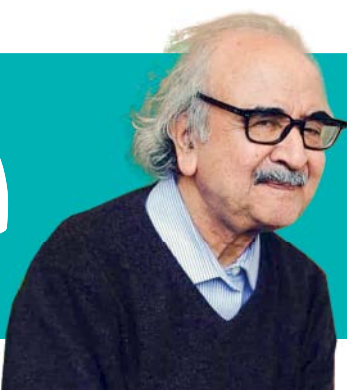
زیارت امام رضا، سفر هر ساله شفیعی کدکنی است

جامعه کبیره در حرم امام رضا(ع)

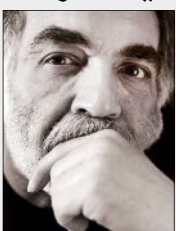
آقا هانریش شوfer خط آریاشهر- آزادی

فرهنگ

سه‌شنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۹۹



گلستان؛عکاس همیشه در صحنه



۱۷ آذر روز تولد کاوه گلستان، عکاس

بزرگ ایرانی است

کاوه گلستان، فرزند ابراهیم گلستان و برادر لی لی گلستان بود. کاوه از جدی‌ترین و مهم‌ترین عکاسان جنگ در تاریخ ایران است و مرگ او نیز در حین انجام مأموریتی با موضوع عکاسی بود.

کاوه از عکاسانی بود که همواره در صحنه حضور داشت به‌صورت میدانی به تهیه گزارش می‌پرداخت و بزرگ‌ترین ویژگی او نیز همین حضور به‌هنگام به‌عنوان یک هنرمند در صحنه است. او درباره اوج‌گیری انقلاب در زمستان ۱۳۵۶ می‌گوید: «یک مقاله‌ای بود که در روزنامه اطلاعات چاپ شد و مردم قم شلوغ کردند. من عکس همان اولین جرقه انقلاب را دارم. نیروهای شهریانی انتهای خیابان بودند. برای اولین بار بود که من صدای پرت‌کردن گاز اشک‌آور را شنیدم. عکسش را دارم. شب عکس گرفتم. خیلی هم سخت بود. این‌که گفتم جرقه، از داخل مردم یک سهراهی پرت‌شد. سهراهی، یک سهراهی آب است که براده آهن و اینها درون آن می‌ریزند که وقتی منفجر می‌شود این براده‌ها هست که تو هوا منفجر می‌شود. من عکس لحظه انفجار سهراهی را در خیابان چهارمردان قم دارم که تمام جرقه‌هاش دیده می‌شود. در کتاب‌ها هم چاپ کردم.»

او همچنین در جایی به نماز و راهپیمایی عید فطر، کمیته استقبال و حتی لحظات ورود امام به کشور اشاره می‌کند:

«از موقعی که امام آمد من با او بودم، این عکس‌هایی که از پله هواپیمای پایین می‌آید مال من است. این عکس‌ها مال من است.»

کاوه در جایی صراحتاً به جنگ اشاره می‌کند و حضور او در صحنه را با این جملات می‌شود بهتر لمس کرد:

«این جریان انقلاب و جنگ تحمیلی خیلی در زندگی من اثر گذاشت. به خاطر این‌که من با یک چنین صحنه‌هایی روبه‌رو می‌شدم و این زندگی آدم‌ها بود که با گلوله از بین می‌رفت و خشونت موجود در این‌ها هیچ‌وقت برای من اتفاق نیفتاد. این همه سال در جنگ انواع و اقسام آدم دورم افتاد، گلوله خورد، ترکش خورد، حتی یک دفعه، داشتم با یک نفر راه می‌درفتم. در جبهه داشتیم می‌دویدیم، داشتند کاتیوشا می‌زدند، می‌دویدیم که برویم خودمان را بیندازیم داخل یک سنگر. من و او با هم بودیم. یکمرتبه نگاه کردم دیدم یک جفت پا فقط بغل من دارد راه می‌رود. یک گلوله فیشتی آمد خورد نصف بدنت را برد و من دیدم. یعنی دوتا پا هنوز روی هوا بود، قبل از این که بیفتد. می‌دانی؟ یک‌مرتزی من بود. از این وحشتناک‌تر دیگر نمی‌توانستی تصور کنی.» عکس‌اش را همه دارم.»

موسیقی فیلم‌هایی با تم ماجرای نیمروز و فضای اجتماعی تاریخ معاصر ایران چه ویژگی منحصر به فردی باید داشته باشد؟

در فیلم‌های این چنینی گوش مخاطب به این عادت کرده که فضاهای خاص و ارکسترهای شلوغ را بشنود و در چنین شرایطی می‌توان کمی از این فضا را دچار تغییر کرد اما نمی‌توان به طور کلی آن را عوض کرد و تجربیات قبلی را نادیده گرفت. به همین علت من در ایستاده در غبار همان فضا را تا حد زیادی دنبال کردم، اما در ماجرای نیمروز و مخصوصاً در رد خون سعی کردم موسیقی مدرن‌تر باشد. در ماجرای نیمروز ا خیلی ملودیک کار نکردم و بیشتر به کمک آکورد های پیانو و فلوت، فضا سازی کردم، اما در رد خون که نسبت به ماجرای نیمروز ا فیلم اکشن تری محسوب می‌شود و سکانس‌های جنگی نیز دارد به سمت موسیقی دهه ۵۰ و ۶۰ رفته و از فضای ارکسترال بادی برنجی استفاده کردم و در نهایت تصمیم گرفتم فضا را کمی مدرن‌تر کنم و فضای موسیقایی را که در ماجرای نیمروز ا بود در فضای ارکسترال پیاده کردم. می‌شود گفت از رنگ آمیزی ارکستر همان دهه استفاده کردم منتها با فضا و ملودی جدید که ما حاصل کار برای مخاطب چیز عجیب و غریبی نباشد. به همین دلیل این فیلم، فضای موسیقایی فیلم‌های جنگی را دارد اما تم آن جدید است.

به طور کلی فضای موسیقی فیلم در ایران نسبت به دهه‌های گذشته چه تغییری داشته؟

در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ تعداد موزیسین‌هایی که کار می‌کردند کم بود اما ژانر شان مشخص بود و در یک فضای مشخص موسیقایی فعالیت می‌کردند، اما در دوره ما تعداد موزیسین‌ها به مراتب بیشتر شده و



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

به مناسبت انتشار آلبوم موسیقی فیلم «ماجرای نیمروز» با حبیب خزایی فر، آهنگساز این اثر گفت‌وگو کرده‌ایم

ماجرای دیروز، موسیقی امروز

حبیب خزایی فر در سال‌های اخیر نامی آشنا در حوزه موسیقی فیلم بوده است. فیلم‌هایی چون «ایستاده در غبار»، «لاتاری»، «مدیترانه»، «ترمینال غرب»، «درخت گردو» و سریال‌هایی چون «آخرین روزهای زمستان»، «ممنوعه» و «شاه‌رگ» از جمله آثاری است که با موسیقی خزایی‌فر در این سال‌ها دیدنی‌تر و شنیدنی‌تر شده‌اند.

نامزدی برای دریافت تندیس دهمین جشن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران برای موسیقی فیلم سینمایی «ایستاده در غبار»، دریافت لوح تقدیر توسط رئیس سازمان صدا و سیما برای ساخت موسیقی مجموعه «آخرین روزهای زمستان»، نامزد دریافت

ورود جوان‌ها به این عرصه باعث شده تنوع موسیقی در این حیطه و نیز استفاده از موسیقی الکترونیک این عرصه بیشتر شود. علاوه بر این به اعتقاد من در زمان‌های گذشته موسیقی شخصیتی جدی در

فیلم داشت و قرار نبود خیلی در فیلم حل شود اما الان اینطور نیست. ما سعی کردیم در فیلم ایستاده در غبار موسیقی شخصیت داشته باشد. الان بیشتر فضا به این سمت رفته که موسیقی در فیلم شنیده نشود یعنی صرفاً تاثیرگذاری داشته باشد و با فیلم آمیخته شود و موسیقی به تنهایی شنیده نشود.

در واقع تا کسی کنجکاو نشود و دقت زیادی نکند، شاید در سکانس‌های مختلف یک فیلم موسیقی را به درستی نشنود. البته این را باید اضافه کنم که تمام فیلم‌های امروز این طور نیستند. برای مثال



یعنی برای وکال آهنگسازی می‌کند. اگر بخواهد موسیقی فیلم بسازد کار سختی در پیش دارد. ولی در شرایط دیگر اگر کسی که موسیقی فیلم می‌سازد، بخواهد برای خواننده موسیقی بسازد به راحتی می‌تواند این کار را انجام دهد.

چرا؟

زمانی که قرار است موسیقی فیلم ساخته شود، حس آهنگساز و حس کارگردان درباره فیلم و صحنه‌های مختلف آن باید به جمع‌بندی برسد و در نهایت موسیقی فیلم ساخته شود. در مسیر ساخت این موسیقی محدودیت‌های مختلفی نیز وجود دارد مثل محدودیت زمانی سکانس‌های مختلف که آن هم کار را سخت‌تر می‌کند. اما زمانی که می‌خواهیم با خواننده کار کنیم، کار به مراتب ساده‌تر است چون من به عنوان آهنگساز ترانه‌ای را در دست دارم که می‌توانم هر احساسی را که از خواندن آن دارم در ساختن موسیقی آن به کار ببرم و از هر ارکستر و هر تنظیمی که می‌خواهم درخصوص آن استفاده کنم.

در واقع هر حسی را که در وجود خالق اثر باشد می‌تواند در حالت دوم در موسیقی این قطعه تخلیه کند و هیچ‌گونه محدودیتی در آن وجود ندارد، اما آهنگساز نمی‌تواند در فیلم صد درصد خودش باشد و گاهی مجبور است به خاطر المان‌های مختلف فیلم یا خواسته‌های کارگردان چیزهایی را کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر کند و باید کاملاً در خدمت فیلم باشد.

در مورد فیلم ماجرای نیمروز هم برپیمان توضیح دهید. چه شد که شما وارد این پروژه شدید؟

ماجرای نیمروز در ادامه کارهای آقای مهدویان بود که من هم همیشه با افتخار با ایشان همکاری داشته‌ام. فکر می‌کنم حدود ۱۵ یا ۱۶ سال است من با آقای مهدویان همکاری می‌کنم و این همکاری با فیلم کوتاهی شروع شد که موسیقی آن را من ساختم و رابطه کاری ما به رفاقت انجامید.

رابطه ما به گونه‌ای است که در آن پیشنهاد همکاری و این مسائل وجود ندارد و زمانی که ماجرای نیمروز در مرحله فیلمنامه بود من می‌دانستم پروژه جدیدی در پیش دارم که باید برای آن موسیقی بسازم و فقط رفتم سر قرارداد.

در حال حاضر درگیر چه پروژه‌های هستید؟

الان بیش از هر کار دیگری درگیر سریال «شاه‌رگ» هستم که تیزر از پایانی آن را آقای عقیلی خواندند و به تازگی منتشر شده است.



۱۲

جامعه



بلیت کنسرت را نمی‌توان

سلیقه‌ای ارزان کرد

محسن رجب‌پور، مدیرعامل مجمع صنفی تولیدکنندگان آثار شنیداری و یکی از تهیه‌کنندگان با سابقه کنسرت‌های موسیقی درباره برگزاری کنسرت‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن گفت: در بین همکاران من در مجمع صنفی برخی موافق برگزاری کنسرت‌های آنلاین هستند، چرا که معتقدند به‌هر شکل با این اقدام هم به سلامت روحی مردم کمک خواهند کرد و هم وضعیت معیشتی هنرمندان بهبود خواهد یافت. وی ادامه داد: قیمت بلیت کنسرت‌ها تابعی است

از یک سری مؤلفه و امکان اعمال نظر

سلیقه‌ای وجود ندارد و نمی‌توان بدون محاسبات دقیق و برخی هزینه‌های تحمیلی، نرخ بلیت را کاهش داد. / ایرنا

برگزیدگان جایزه جمالزاده

مراسم پایانی جایزه «جمالزاده» با معرفی برگزیدگان برگزار شد. فهرست برگزیدگان نهایی دومین جایزه «جمالزاده» در این برنامه به شرح زیر اعلام شد:

برگزیدگان بخش داستان اصفهان:

نفر اول/ نسترن مکارمی / ظل ظلیل نفر دوم/ راضیه مهدی‌زاده / زبان زمین نفر سوم / مشترک / متینه ایقایی / زن‌عمویحیی نفر سوم مشترک / خسرو عباسی / سفرعباس

برگزیدگان بخش داستان آزاد:

نفر اول/ نسترن مکارمی / زخم طاهره نفر دوم / سیایش قربانی‌پور / دست از سرم بردار نفر سوم / خسرو عباسی / وقتی مهتاب برگوراب‌ها می‌تابد

برگزیدگان زندگی‌نگاره اصفهان:

نفر اول / سمیه سیدیان / آدم‌های گمشده نفر دوم/ کتابون صهبا/ خانه آقاچانم نفر سوم / الهام تربت اصفهانی / گل‌های قرمز پنج‌پر

برگزیدگان زندگی‌نگاره کرونا:

عباس باغعلی/ک مثل کرونا سمیه یوسفی/اسین هفتم نداشتلیلیان/ به روایت نون، ت

آخرین بازمانده نسل طلایی

سینما ۱۰۴ ساله شد

اولیویا دی هاویلند، پنجشنبه یکم جولای ۱۰۴ ساله شد. او تنها زن هنرپیشه دوران طلایی هالیوود است که در قید حیات است. او همچنین تنها هنرپیشه زنده فیلم «برباد رفته» است. تمام همپای‌ها و کارگردان و عوامل این فیلم سال هاست که از دنیا رفته‌اند. وینستون بردت، روزنامه‌نگار، استعداد او را در اقتباس سینمایی از «رویای نیمه شب تابستان» ساخته ماکس راینر در سال ۱۹۳۴ که در کمپانی برادران وارنر تهیه شد، کشف کرد. / فارس

